

سخنرانی جناب آقای دکتر ظریف، سفير و ناینده دائم
جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد، در جلسه
مورخ 23 دسامبر 2006 (دوم دیماه 1385) در رابطه با
مسائل هسته ای جمهوری اسلامی ایران و قطعنامه شورای
امنیت

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای رئیس،

امروز روز غم انگیزی برای رژیم عدم اشاعه است. تنها چند روز قبل، نخست وزیر رژیم اسرائیل سلاح های هسته ای این رژیم را به رخ جهانیان کشید. با وجود این، شورای امنیت نه تنها این تهدید جدی علیه صلح و امنیت بین المللی و رژیم عدم اشاعه را مورد توجه قرار نداده و حتی در برابر آن خم به ابرو نیاورد، بلکه به جای آن تحریم هایی را بر یک عضو معاهدہ منع اشاعه اعمال می نماید، عضوی که بر خلاف اسرائیل:

- هرگز هیچ عضوی از سازمان ملل متحد را تهدید نکرده و علیه هیچ کشوری نیز متول به زور نشده است،
- به طور اصولی توسعه، انباشت و استفاده از سلاح های هسته ای را به دلایل عقیدتی و راهبردی مردود دانسته است¹.
- آماده ارائه تضمین هایی بوده تا به موجب آن همواره به معاهدہ عدم اشاعه متعهد بماند².
- تمامی تاسیسات هسته ای خود را تحت نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داده است³.

¹. فتوای مذهبی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، منعکس شده در روزنامه کیهان 15 آبان 1383. همچنین نگاه کنید به پاسخ 31 مردادماه 1385 (22 اوت 2006) ایران به بسته 5 : 1+ S/2006/806, P.P. 2 & 12

². نگاه کنید به پاسخ 31 مردادماه 1385 (22 اوت 2006) ایران به بسته 5 : 1+ S/2006/806, P14

³. از جمله نگاه کنید به: GOV/2006/64, Para. 20

- به طور کامل پروتکل الحاقی را به مدت دو سال اجراء نموده⁴ و آمادگی خود را برای از سرگیری اجرای آن اعلام کرده بود.⁵
- امکان آنرا فراهم نموده تا آژانس بین المللی انرژی اقی بیش از 2000 نفر- روز بازرگانی از تمامی تاسیسات مرتبط و حتی غیرمرتبط آن بعمل آورد.⁶ این بازرگانی ها منجر به صدور گزارش های متعددی از طرف آژانس بین المللی انرژی اقی شده که به موجب آنها هیچ دلیلی مبنی بر اخراج برنامه هسته ای ایران مشاهده نشده است.⁷
- داوطلبانه فعالیت های قانونی غنی سازی خود را برای مدت بیش از دو سال تعليق کرده و اين تعليق توسط آژانس بین المللی انرژی اقی نيز راستی آزمایي شده⁸، تا اعتماد سازی نموده و فرصت ارزشمندی را برای یافتن يك راه حل قابل قبول فراهم نماید - البته چنانچه قصد طرف های مذاکره کننده واقعا یافتن راه حل بوده باشد؛
- پیشنهادات متعدد جامعی را برای تضمین دائمی عدم اخراج از برنامه صلح آمیز ارائه کرده است،
- مستمرا خواهان مذاکرات بی قید و شرط و دارای چارچوب زمانی معین برای یافتن راه حل قابل قبول

⁴ . بند 15 سند GOV/2006/15 آژانس بین المللی انرژی اقی: "تا ششم فوریه 2006، پروتکل الحاقی را اجراء کرده است، گویی که (این پروتکل) لازم الاجراء بوده است، از جمله از طریق ارائه به موقع اظهاریه ها و دسترسی به اماکن."

⁵ . نگاه کنید به پاسخ 31 مردادماه 1385 (22 اوت 2006) ایران به بسته 5+ 1: S/2006/806, P13

⁶ از جمله نگاه کنید به:

آژانس بین المللی انرژی اقی: GOV/2004/83، Para. 30 و GOV/2006/15, Para. 30 آژانس بین المللی انرژی اقی: GOV/2005/67, Para. 56 ، Para. 6 GOV/OR.1119 * ، Para. 6 آژانس بین المللی انرژی اقی: GOV/2005/67، بند 103 2005

⁷ از جمله نگاه کنید به:

آژانس بین المللی انرژی اقی: GOV/2003/75, Para. 52 ، GOV/2006/15، Para. 53 آژانس بین المللی انرژی اقی: GOV/2003/75, Para. 52 ، GOV/2006/15، Para. 53

⁸ . از جمله نگاه کنید به بیانیه مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اقی در 8 مارس 2004:

IAEA - GOV/2004/11, paragraphs 72-73, IAEA - GOV/2004/34, paragraphs 40 and 43, , IAEA - GOV/2004/60 paragraphs 55 and 60, , IAEA - GOV/2005/67 paragraphs 53 and 55, IAEA - GOV/2005/87 paragraph 17

بوده است، دعوی که حتی روز گذشته نیز توسط وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تکرار شد.

همان دولت هایی که تلاش می کنند تا شورای امنیت را وادار به تحمیل اقدامات تنبیه‌ی بی پایه علیه برنامه صلح آمیز هسته ای ایران نمایند، خود همواره مانع از اتخاذ هر گونه اقدام شورای امنیت، ولو اقدامی اندک، علیه اسرائیل برای وادار کردن این رژیم به تبعیت از قواعد حاکم بر رژیم عدم اشاعه گردیده اند. با این کار، آنها آزادی عمل وسیعی به این رژیم داده اند و حتی این رژیم را تشویق می کنند تا آزادانه به توسعه خفیانه و تملک غیرقانونی سلاح های هسته ای ادامه داده و حتی بدون هراس از کمترین ججازاتی، به طور علني به این اقدام خود ببالد.

آقای رئیس، همانگونه که در نامه مورخ 29 آذرماه 1385 (20 دسامبر 2006)⁹ خود به شما تصریح نموده ام، بی تردید وجود سلاح های هسته ای در دست رژیم اسرائیل با سابقه وحشتناک در عدم اجرای قطعنامه های شورای امنیت - اگر چنین امری معیار اقدام امروز شورا است - و با پرونده سیاه و قطوري ملو از جنایات و جرائمی مانند اشغال، تجاوز، نظامی گری، تروریسم دولتی، جنایات علیه بشریت و آپارتاید¹⁰، تهدیدی عمدی و منحصر به فرد علیه صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی می باشد.

عدول از سیاست ریاکارانه "استراتژی ابهام" توسط رژیم اسرائیل، بهانه را - چنانچه اساسا پیش از این بهانه ای وجود داشت- برای بی عملی مستمر شورای امنیت در مواجهه با این تهدید واقعی علیه صلح و امنیت بین المللی، از میان برداشته است.

واکنش شورای امنیت به دست یابی غیرقانونی رژیم اسرائیل به سلاح های هسته ای نشان خواهد داد که

⁹ S/2006/1008, A/61/650

¹⁰ کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا در مقاله اخیر خود در لس آنجلس تایمز مورخ 8 دسامبر 2006 اینگونه اظهار نظر می کند: "این کتاب به سرکوب انزجار آمیز و تعقیب در سرزمین هاتی فلسطین اشغالی می پردازد... از بسیاری جهات، این فشارها شدیدتر از فشارهایی است که در دوره آپارتاید در آفریقا جنوبی بر سیاهان وارد می شد."

آیا شورا - آنگونه که بر اساس ماده 24 منشور ملزم شده است- از طرف اعضاي جامعه بین المللی، که نظر خود را کرارا در خصوص این مسئله اعلام نموده اند¹¹، عمل می نماید یا اینکه شورای امنیت صرفا "وسیله ای در جعبه ابزار"¹² معدودی از اعضاي دائم آن می باشد که از آن برای حل معضلات سیاست خارجی خود بهره برداری کرده و آن را در جهت پیگیری منافع کوته نگرانه خود بکار می گیرند.

در چنین وضعیتی، جای تعجب نیست که یک ملت بخاطر اعمال حقوق لاینفک خود مجازات می شود و این کار بیش از هر چیز بخاطر و در راستای منافع رژیم اسرائیل انجام می شود که تجاوز و جنایات جنگی ویژگی بارز رفتاری آن است و امروز بخاطر توسعه خفیانه و کسب غیرقانونی سلاح های هسته ای به آن پاداش داده می شود.

آیا کسی انتظار دارد که با این کار اعتبار شورای امنیت یا اقتدار معاهده منع اشاعه افزایش یابد؟ از نظر مردم ایران، قطعنامه امروز تنها می تواند یادآور بی عدالتی های تاریخی شورای امنیت در حق آنها در حلال شش دهه گذشته باشد. این کار یادآور تلاشی است که در این شورا برای مجازات مردم ایران بخاطر ملی کردن صنعت نفت آنها، که در آن زمان به ناحق از آن تحت عنوان تهدید علیه صلح تعبیر شد¹³، صورت گرفته است. اقدام مذکور همچنین یادآور بی تفاوتی شورای امنیت در برخورد با کودتای نظامی که توسط دو عضو دائم شورا در ایران صورت گرفت و دیکتاتوری را به ایران بازگرداند، می باشد. (بعلاوه، اقدام امروز شورای امنیت) زنده کننده خاطرات زمانی است که شورای امنیت اشغال گسترده ایران توسط رژیم سابق عراق را تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی ندانسته و حتی خواستار عقب نشینی ارتش اشغالگر از سرزمین ایران نگردید. اقدام غیر عادلانه امروز همچنین یادآور رنج های سالهای دهشتناکی است که این شورا چشم خود را بر استفاده مفرط و بیرحمانه از سلاح های شیمیایی

¹¹ بیانیه نهایی سران جنبش عدم تعهد، 16 سپتامبر 2006: 2006/Doc.1/Rev.3

¹² US Department of State: <http://usinfo.state.gov/mena/Archive/2006/Mar/06-846555.html>

¹³ S/2358/Rev.1

علیه غیرنظمیان و سربازان ایرانی بست و با این کار خود، بار مسئولیت دهها هزار تن از ایرانیان را که هنوز هم از عوارض سلاح های شیمیایی رنج می برند و به شهادت می رساند به دوش می کشد؛ سلاح هایی که تجهیزات آنها از سوی کشورهای مشخصی که عضو دائم شورای امنیت می باشند، تامین شده بود. نیازی نیست راه زیادی را برای یافتن این قربانیان سلاح های شیمیایی برویم. تنها یک ماه قبل، من یکی از عزیزترین همکاران خود را در این نمایندگی از دست دادم؛ شهید مهدی وحیدی اصیل که بدلیل جراحات ناشی از عوارض سلاح های شیمیایی دچار سرطان شده بود چند هفته قبل به شهادت رسید. مهدی هنگام شهادت تنها 39 سال داشت.

آقای رئیس،

من در سخنرانی قبلی خود در تاریخ 31 ژوئیه 2006 به بهانه هایی که شورای امنیت را به استناد آنها درگیر برنامه های صلح آمیز هسته ای ایران نموده اند، پرداختم. امروز از تکرار آن موارد اجتناب کرده و اجازه می خواهم تا صرفا به چند نکته در این زمینه اشاره کنم:

طرح برنامه صلح آمیز هسته ای ایران در شورای امنیت از سوی معدودی از اعضای دائم و به ویژه آمریکا به قصد یافتن یک راه حل یا ترغیب ایران به اتفاق مذاکره نیست و کمکی نیز به اتفاق مذاکره نمی کند. حتی هدف اعلام شده آنها همواره این بوده است که از شورای امنیت به عنوان ابزار فشار و ارعاب استفاده نمایند تا ایران را جبور کنند که از حقوق حقه خود دست بردارد. تاریخچه آشکار رفتار آنها در سالهای اخیر، به همه ما می آموزد که هدف اعلام نشده آنها از این اقدامات چیست. اجازه دهید تنها به دو مثال اشاره کنم:

در اکتبر 2004 و دقیقا در زمانی که سه کشور اروپایی متحده آمریکا بظاهر مشغول مذاکره با ایران بودند، یک متن غیررسمی با عنوان "راههایی برای بررسی برنامه هسته ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل"

توسط نمایندگی آمریکا توزیع شد. در این سند آمده است: "ایالات متحده همواره بر این عقیده بوده است که فعالیت های هسته ای ایران بایستی به شورای امنیت گزارش داده شود. ... شورای امنیت اقتدار حقوقی برای الزام ایران به توقف [برنامه غنی سازی اش] را دارا می باشد."

حتی طرفهای مذاکره کننده با ما نیز (رفتار مشابهی داشته اند). مدیر سیاسی وزارت امور خارجه انگلستان، در نامه مورخ 16 مارس 2006 خود به همتایان خویش در فرانسه، آلمان و آمریکا، برنامه موذیانه تر بریتانیا را تشریح نمود. وی در این نامه آورده است: "ما همچنین ممکن است جبور شویم یکی از استدلال های ایرانیان که همواره می گویند تعلیق درخواستی "داوطلبانه" می باشد را از بین ببریم. ما می توانیم این کار را با الزامی کردن تعلیق داوطلبانه از طریق شورای امنیت انجام دهیم."

ادامه این نامه حتی جالب تر است، زیرا در آن آمده است: "من همانطور که قول داده بودم یک متن کوتاه به عنوان محور مذاکره با روسها و چینی ها را برای شما فرستادم. این متن بر این باور استوار است که ما نمی توانیم روسها و چینی ها را وادار به موافقت با تحریم ها در خلال ماه های آتی بنماییم، بدون آنکه به نخوی نشان دهیم تلاشی را برای همراه کردن ایرانیها انجام داده ایم... در مقابل اینکه روسها و چینی ها با [یک قطعنامه فصل هفت‌می] موافقت کنند، ما نیز در آن صورت می توانیم یک بسته پیشنهادی را تنظیم کنیم تا بتوان به عنوان پیشنهاد جدید به ایرانیان ارائه کرد."¹⁴

اکنون می توانید انگیزه ارائه بسته به اصطلاح تشویقی - که چند ماه بعد از برنامه زمانی مدنظر انگلیس - در 6 زوئن 2006 به ایران ارائه شد را دریابید.

و اکنون درمی یابید که چرا آمریکا و سه کشور اروپایی هرگز زحمت مطالعه پیشنهادات مختلفی که از سوی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده را به خود ندادند، زیرا از ابتدا مصمم به بهره برداری از

¹⁴ Times Online, March 22, 2006, <http://www.timesonline.co.uk/article/0,,2-2098203,00.html>

شورای امنیت و تهدید ارجاع موضوع به آن و نیز سوءاستفاده از تحریم‌ها به عنوان ابزار فشاری در جهت وادار ساختن ایران به رهای نمودن حق خود در مورد فناوری صلح آمیز هسته‌ای که توسط معاهده عدم اشاعه تضمین شده است، بودند.

اکنون این راز بر ملا شده است که هدف آنها از مذاکره هیچ‌گاه یافتن راه حل نبوده، بلکه هدف آنها این بود که در راستای خطوط قرمز دلخواهی و البته متغیر خود، تعلیق حقوق ایران را بر ما تحمیل نموده، زمان آن را طولانی کرده و آنرا ابدی نمایند.

آقای رئیس،

تعليق راه حل نیست. تعليق در بهترین فرض اقدامی موقت برای ایجاد فرصت جهت یافتن راه حلی واقعی است. تعليق برای مدت دو سال از سوی جمهوری اسلامی ایران انجام شد و برخلاف بهانه‌ای که حامیان قطعنامه اینجا و آجا مطرح می‌کنند، آژانس کرارا اقدام به راستی آزمایی نمود و تایید کرد که ایران به طور کامل آنچه را موافقت کرده بود، تعليق نموده و این را در تمامی گزارش‌های خود از نوامبر 2003 تا فوریه 2006 منعکس کرده است¹⁵. بنابراین ما برای مدت دو سال تعليق و برای مدت سه سال متناولباً مذاکره نموده ایم. در طی این سه سال چه اقدامی برای برای حصول به یک توافق صورت گرفته است؟

- آیا سه کشور اروپایی یا آمریکا هیچ پیشنهادی - که مستلزم تجدید نظر فاحش در معاهده عدم اشاعه نباشد - در رابطه با اقدامات لازم برای رفع نگرانی‌های به اصطلاح اشاعه ای خود ارائه کرده اند؟

¹⁵ از جمله نگاه کنید به بیانیه مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در 8 مارس 2004:
IAEA - GOV/2004/11, paragraphs 72-73, IAEA - GOV/2004/34, paragraphs 40 and 43, IAEA - GOV/2004/60 paragraphs 55 and 60, IAEA - GOV/2005/67 paragraphs 53 and 55, IAEA - GOV/2005/87 paragraph 17

- با توجه به اینکه چنین کاری نکرده اند، آیا آنها حتی پیشنهادات گسترده‌ای که ایران در تاریخ 23 مارس¹⁶ 2005 به سه کشور اروپایی ارائه نمود و خود آنها در ابتدا آن را حاوی "عناصر مثبت" دانستند، را مورد بررسی قراردادند؟
- آیا آنها هرگز پیشنهاد دادند که چگونه آن عناصر مثبت می‌تواند افزایش یابد یا چگونه می‌توان نقاط افراق را کاهش داد؟ یا اینکه آنها بعد از مشورت با یک طرف مشخص که در مذاکرات غائب بود، به راحتی گفتند "این پیشنهادات به اندازه کافی خوب نیست. تعلیق را ادامه دهید؟"
- آیا آنها حتی به خود زحمت خواندن پیشنهاد مورخ 18 ژوئیه 2005 را دادند که تصريح می‌کرد تا "به آژانس اجازه دهد تا ترتیبات مناسبی را در خصوص تعداد، سازوکارهای نظارتی و دیگر موارد در خصوص عملیات محدود اولیه در نطنز طراحی کند، به نحوی که بتواند نیازهای ما و نگرانی‌های [آنها] را برطرف نماید"¹⁷؟
- آیا آنها در خصوص پیشنهاد ارائه شده از طرف ریاست حترم جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی مورخ 17 سپتامبر 2005 خود در جمع عمومی که از قابلیت بسیار زیادی در زمینه (رفع نگرانی‌های) عدم اشاعه برخوردار بود، تعمق کردند؟ اجازه دهید به یاد شما بیاورم که ایشان در سخنرانی مورد اشاره گفتند : "به منظور نشان دادن بیشترین درجه از شفافیت، جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد تا به طور جدی با جنس‌های خصوصی و دولتی دیگر کشورها در اجرای برنامه غنی سازی در ایران تشریک مساعی داشته باشد."
- آیا آنها به پیشنهاد مشخص وزیرحترم امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس خلع سلاح در 30 مارس 2006 پاسخ دادند؟ اجازه دهید آنچه را که

¹⁶ از جمله نگاه گنید به صفحات 48-46 سند ذیل:

: http://www.un.int/iran/facts_about_peaceful_nuclear_program.pdf

همچنین برای مطالعه دیگر پیشنهادات ایران از ژانویه 2005 تا ژوئیه 2005 نگاه گنید به صفحات 49-39 و 50-49 سند فوق.

¹⁷ نگاه گنید به صفحه 53 از سند ذیل: http://www.un.int/iran/facts_about_peaceful_nuclear_program.pdf

ایشان در این کنفرانس گفتند نقل کنم: "از نظر ما، یک امکان برای حل مسئله می تواند ایجاد کنسرسیوم منطقه ای در زمینه توسعه چرخه سوخت با کشورهایی از منطقه باشد.... البته کشورهای خارج از منطقه نیز امکان مشارکت در چنین ترتیبات منطقه ای را دارند. این تاسیسات می تواند به طور مشترک در مالکیت کشورهای دارای سهم بوده و فعالیتهاي مربوطه نیز می تواند بر مبنای تخصص های کشورهای مشارکت کننده تقسیم شود."

- آیا این پیشنهادات عیناً و دقیقاً تکرار پیشنهاد متخصصین آژانس بین المللی انرژی اتمی در خصوص رهیافت چندملیتی راجع به فعالیت های چرخه سوخت هسته ای منتشره در تاریخ 22 فوریه 2005 نبود؟ برای آن دسته از شما که این گزارش را ملاحظه نکرده اید یادآوری می کنم که در گزارش مذبور آمده است: "تقویت انتقال داوطلبانه تاسیسات موجود را به روشهای چندملیتی ترغیب می نماید و آنها را به عنوان اقدامات اعتمادساز با مشارکت کشورهای غیرهسته ای و هسته ای عضو معاهده عدم اشاعه و کشورهای غیر عضو این معاهده تعقیب می نماید" و "ایجاد روشهای چندملیتی و به ویژه منطقه ای را از طریق موافقت نامه ها و قراردادهای داوطلبانه در زمینه تاسیسات جدید مبتنی بر مالکیت مشترک که بر مبنای آن حقوق و نیز ساز و کارهای مدیریت مشترک تاسیسات هسته ای بالادستی و پایین دستی مانند غنی سازی اورانیوم مشخص می شود، پیگیری خواهد نمود."¹⁸

- آیا اعلام آمادگی ایران برای اجرای این ایده ها فرصت بی نظیری را برای ایجاد یک نمونه جهانی با هدف تقویت معاهده عدم اشاعه و رفع نگرانی ها در رابطه با فعالیت های مربوط به چرخه سوخت بر مبنای توصیه بهترین متخصصین بین المللی که توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی دقیقاً برای همین منظور گردآوری شده بودند، فراهم نمی کرد؟

¹⁸"رهیافت چندملیتی مربوط به چرخه سوخت هسته ای: گزارش گروه کارشناسان ارائه شده به مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی" . IAEA – INFCIRC/640, 22 February 2005, p. 103, approaches 3,4 and 5.:

- آیا کشور دیگری وجود دارد که با این درجه از فناوری آمادگی داشته باشد تا به اندازه ایران در این زمینه انعطاف نشان دهد؟
- آیا آمریکا و متحدین اروپایی آن پاسخ تفصیلی ما در تاریخ 22 اوت 2006 را به طور جدی مورد بررسی قرار دادند؟ پاسخی که بر خلاف عملکرد آنها، به تک تک مطالب مندرج در بسته 6 ژوئن 2006 آنها پرداخته و پیشنهاداتی واقعی و ملموس را برای برطرف کردن کاستی های بسته پیشنهادی مزبور ارائه کرد¹⁹. همه آنچه که من می دانم این است که آنها حتی از اشاره به پاسخ ایران به بسته پیشنهادی در قطعنامه حاضر خودداری کردند.
- آیا آنها پیشنهاد کنسرسیوم بین المللی ارائه شده از سوی ایران در خلال مذاکرات ماه های سپتامبر و اکتبر 2006 در وین و برلین را مورد توجه و جث قرار دادند؟ پیشنهاداتی که در ابتدا بسیار مثبت ارزیابی شده و منجر به اعلام علنی حصول پیشرفت در مذاکرات گردید²⁰. اما این پیش بینی مثبت بلافاصله و به خوبی تعجب برانگیزی حتی پیش از نشست وزرای 5 + 1 برعکس شد²¹.

سؤالات بی شمار مشابه دیگری را می توان طرح نمود. اما پاسخ به همه آنها یکسان خواهد بود. زیرا، آنچه آمریکا و ظاهرا سه کشور اروپایی (بر خلاف آنچه که این سه کشور در طی مذاکرات با ما تعهد کردند) می خواستند و تنها نتیجه ای که حاضر بوده و هستند تا از گذر این به اصطلاح مذاکرات بپذیرند این بوده و هنوز هم هست که ایران باید "تعهد الزام آوری را در رابطه با عدم پیگیری فعالیت های چرخه سوخت به گردن بگیرد"²². ما امروز در شورای امنیت هستیم زیرا این خواسته غیرقانونی را نپذیرفتیم و اغلب شما می دانید که این

¹⁹ A/61/514 - S/2006/806

²⁰ نگاه کنید به:

http://www.usatoday.com/news/world/2006-09-15-iran-eu_x.htm?csp=34

²¹ روزنامه نیویورک تایمز، مورخ 4 اکتبر 2006 .

²² بسته پیشنهادی ارائه شده از طرف سه کشور اروپایی به ایران در اوت 2005 : IAEA - INFCIRC 651, paragraph 34

آخرین درخواست غیرقانونی آنها نیز نمی بود. در عین حال ما همواره مصمم بوده ایم به هر خو مکن به اصطلاح "نگرانی های اشاعه ای" آنها را رفع کنیم و این امر حتی با وجود علم همه ما به این واقعیت است که نگرانی های آنها چیزی بیش از بهانه هایی بی اساس و سودجویانه نیست. کشورهایی که خود از دیر باز عمیقاً درگیر در فعالیت های اشاعه ای و از عرضه کنندگان سلاح های شیمیایی²³ و فناوری مرتبط با سلاح های هسته ای²⁴ بوده اند، نمی توانند مدعی داشتن نگرانی های اشاعه ای باشند.

ممکن است بانیان قطعنامه به شما بگویند که به "نیات" ما اعتماد ندارند. اما مشکل این است که "دستگاه نیت سنج" آنها سابقه ای مفترضانه از عملکرد سوء مزمن از خود بر جای گذاشته است. کافی است به این گفته مدیر سابق آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا، رابت گیتس، در جلسه استماع کنگره در مارس سال 1992 توجه شود که ادعا کرده بود ایران در تلاش برای دستیابی به قابلیت سلاح های هسته ای بوده و اضافه کرد که بعید است ایران تا قبل از سال 2000 به این هدف دست یابد²⁵. بعدها در نوامبر

²³ یک تحقیق سنای آمریکا در سال 1995 تصادفاً فاش کرد که در طی جنگ عراق علیه ایران، امریکا نمونه هایی از همه انواع میکروب های مورد استفاده از سوی عراق برای ساخت سلاح های میکربی را به عراق فرستاده بود. نمونه ها از سوی مرکز کنترل و پیشگیری بیماری و مرکز آمریکایی گردآوری نمونه های کشت شده به همان مراکزی در عراق فرستاده شده بود که بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل بعد اعلام کردند که بخشی از برنامه تسلیحات میکربی به شار می رود. (تايز هندوستان، دوم اکتبر 2002). همچنین نگاه کنید به: "چگونه آمریکا صدام حسین را مسلح به سلاح های شیمیایی کرد" در: <http://www.greenleft.org.au/2002/506/27605>

برای بررسی خوه همکاری و مشارکت دیگر بانیان قطعنامه امروز شورای امنیت با عراق در برنامه سلاح های شیمیایی اش، از جمله نگاه کنید به منابع ذیل:

, <http://www.fas.org/nuke/guide/iraq/cw/az120103.html>
http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/EB05Ak02.html

²⁴ به عنوان مثال نگاه کنید به:

Michael Karpin, *The Bomb in the Basement*, (Simon and Schuster, 2006); and Zdenek Cervenka and Barbara Rogers, *The Nuclear Axis*, (Time Books, 1978).

همچنین نگاه کنید به "سلاح های هسته ای اسرائیل": <http://www.fas.org/nuke/guide/israel/nuke/farr.htm>

²⁵ جفری اسمیت، "گیتس در مورد تحرك تسلیحاتی ایران هشدار می دهد"، واشنگتن پست، 28 مارس 1992.

همان سال، همین سازمان سیا در پیش نویس گزارش "تحمینهای اطلاعاتی ملی" نتیجه گیری کرد که ایران در حال پیشرفت در زمینه برنامه تسلیحات نظامی بوده و می‌تواند سلاح هسته‌ای را تا سال 2000 توسعه بخشد.²⁶ اکنون همان دستگاه اطلاعاتی می‌گوید که این امر تا قبل از سال 2015 اتفاق خواهد افتاد.²⁷

آنها از ابتدای دهه 1980 ایران را متهم می‌کنند که "قصد" دستیابی به سلاح هسته‌ای دارد و از این اتهام به عنوان وسیله‌ای در جهت محروم کردن ایران از هر گونه فناوری هسته‌ای، از جمله حتی راکتور آب سبک یا سوخت راکتور تحقیقاتی ساخت آمریکا، استفاده می‌کنند.

تعجب آور است که کدام "قصد ایران" یا کدام "نگرانی اشاعه‌ای" سبب شده تا بانیان اصلی قطعنامه امروز، ایران را در طی بیست و هفت سال گذشته از خرید هوایی غیرنظامی یا قطعات یدکی آن محروم نموده و در نتیجه موجب به خطر افتادن اینی و جان مردم عادی ایران شوند، مردمی که بانیان قطعنامه این روزها به خوبی مزورانه سنگ آنها را بر سینه می‌زنند. بگذرید بگوییم که این تلاش آنها نیز خریداری خواهد داشت.

همانگونه که مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی گفته است: "بسیاری از آنچه را که شما در رابطه با ایران مشاهده می‌کنید، ارزیابی نیات است. . . اما یکی از درس‌هایی که از عراق آموختیم آن است که در واقع ما باستی در نتیجه گیری هایان بسیار بسیار دقیق عمل کنیم، چرا که این مسائل تفاوت میان جنگ و صلح را ایجاد می‌کند".²⁸

در رابطه با نیات و مقاصد، طرفداران عمدۀ قطعنامه حاضر ممکن است به خوبی مزورانه ای ادعا کنند که به "نیات" ما اعتماد ندارند. این در حالی است که خود

²⁶. الین شیلینو، "سیا می‌گوید ایران در زمینه سلاح‌های اتمی پیشرفت می‌کند"، نیویورک تایمز، 30 نوامبر 1992.

²⁷ تحمینهای اطلاعاتی ملی آمریکا، 2005، نگاه کنید به واشنگتن پست، 2 اوت 2006 :

http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2005/08/01/AR2005080101453_pf.html.

²⁸ کریستوفر دیکی، "قدرت پول"، نیوزویک، 20 اکتبر 2006.

آنها به اندازه کافی گفتار و کردارهایی از خود بر جای گذاشته اند که هیچ کس در ایران و یا هیچ جای دیگری از جهان کمترین تردیدی را در رابطه با مقاصد (شوم) آنها به خود راه نمی دهد . تنها کافی است سخنان تفرقه افکنانه و خطرناک اخیر نخست وزیر انگلیس را مورد توجه قرار دهید²⁹.

یا اینکه نگاهی به گزارش 23 اوت 2006 کمیته اطلاعات مجلس نمایندگان آمریکا در خصوص برنامه هسته ای ایران بیاندازید³⁰. گزارش مذکور به خو خطرناکی گمراه کننده است و نشان می دهد برخی جنگ افروزان تا کجا پیش میروند. این گزارش به حدی گمراه کننده و بی اساس بود که آژانس بین المللی انرژی اتمی را ناگزیر کرد تا اتهامات مطروحه در آن علیه ایران را شدیدا به چالش کشد. در این رابطه آژانس در نامه خود بخش هایی از گزارش مذبور را "تنفرآور و متقلبانه" خواند و تاکید کرد که این گزارش حاوی "اظهارات نادرست و گمراه کننده" می باشد و در این زمینه ادله ای را نیز برای تکذیب مدعای اصلی این گزارش ارائه نمود. آژانس هم چنین تاکید نمود که گزارش حتی تحریفاتی جدی نسبت به یافته های آژانس بین المللی انرژی اتمی در رابطه با فعالیت های هسته ای ایران در بر دارد³¹.

آقای رئیس،

در پایان تاکید می کنم که جمهوری اسلامی اعتقاد راسخ دارد که دوران سلاح های کشتار جمعی مدت هاست به سرآمد و این ابزار غیرانسانی قتل عام موجب

²⁹ خبرگزاری رویترز، 20 دسامبر 2006:

http://news.yahoo.com/s/nm/20061220/ts_nm/britain_blair_dc_6

³⁰ گزارش کارکنان کمیته منتخب دائمی مجلس نمایندگان آمریکا، کمیته فرعی اطلاعاتی خط مشی اطلاعاتی، 23 اوت 2006. این گزارش از سوی دستیار سابق جان بولتون (سفیر آمریکا) تهیه شده است. نگاه کنید به: مقاله دفنا لینزر در واشنگتن پست، 24 اوت 2006.

³¹ نامه آژانس بین المللی انرژی اتمی به عنوان رئیس کمیته منتخب دائمی اطلاعاتی مجلس نمایندگان آمریکا، نگاه کنید به روزنامه گاردن، 15 سپتامبر 2006:

<http://www.guardian.co.uk/iran/story/0,,1873114,00.html>

ثبتات داخلی یا امنیت خارجی هیچ کشوری نبوده و در آینده نیز خواهد بود.

بر خلاف آنهایی که در پی تخریب معاہده عدم اشاعه و حقوق بین الملل به معنای عام آن هستند، ما منافع زیادی در حفظ، اجرای کامل، تقویت و جهانشمولی معاہده عدم اشاعه داریم. تصمیم امروز شورا دقیقاً در جهت عکس حرکت می کند؛ و در این زمینه جای هیچ گونه تعجبی نیست، زیرا که مشوقین اصلی این حرکت شورا از یک سو رژیم است که عضو معاہده عدم اشاعه نبوده و از سوی دیگر ولی نعمت آن رژیم می باشد که خود بدون هیچ گونه پرده پوشی به تخریب این معاہده یا هر سند خلع سلاхи دیگر پرداخته است. هیچ یک از ما فراموش نکرده ایم که در جریان نشست سران دولت ها در سال گذشته، چه کسی با "قلم قرمز" مشهور خود حتی کلمه "خلع سلاح" را از سند سران حذف نمود.

همچنین ما بر این عقیده ایم که ایام قلدرمآبی و فشار و ارعاب توسط برخی دارندگان سلاح های هسته ای نیز به سرآمدۀ است. گفته می شود نیاز به اعتمادسازی وجود دارد. البته. همه ما به اعتمادسازی در این جهان پر آشوب نیاز داریم. اما اعتماد تنها از گذر رعایت و اعمال بدون تبعیض قانون ایجاد می شود. این تنها معیار عینی است. پذیرش هر ملک دیگری غیر از این، در واقع تن دادن به آمال زورمداران است. حقوق بین الملل و معاہدات بین المللی را نمی توان خودسرانه و سودجویانه هر روز به شکلی و بنا به منفعی تفسیر مجدد نموده، تغییر داد یا برای آن خط قرمز دلبخواهی تعیین کرد، حتی اگر چنین کاری به خواه مودیانه ای در قالب قطعنامه ها تحمیل شده باشد. چنین رویه ای برای همگان خطرناک است.

شورای امنیت می باید خست مشکل بی اعتمادی جهانی به خود را از طریق احترام به آرای اعضای سازمان ملل متحد و عمل بر اساس دیدگاه های آنان، همانگونه که در ماده 24 منشور موظف شده است، جبران نماید. عده کثیری از اعضای ملل متحد، عضو جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی می باشند. همین اکثریت اخیراً "تاكید کرده اند که حق انتخاب و تصمیم گیری دولت ها در زمینه استفاده صلح آمیز از فناوری هسته ای

و چرخه سوخت آنها باید محترم شرده شود³². "آنها همچنین نسبت به اعمال تهدیدات و فشارها از سوی برخی مخالف مشخص بر ایران برای اعراض از حق ذاتی اش در توسعه انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز، ابراز نگرانی کرده اند"³³. این کشورها همچنین روشن ساخته اند که تهدید واقعی علیه صلح و امنیت بین المللی در کجا قرار دارد و در همین رابطه "نگرانی عمیق خود را در خصوص کسب قابلیت هسته ای از سوی اسرائیل که تهدیدی جدی و مستمر علیه امنیت کشورهای همسایه و سایر کشورها می باشد، ابراز کرده اند.³⁴" آنچه اعضا سازمان ملل از شورای امنیت توقع دارند رسیدگی به این تهدید واقعی است.

³² NAM/2006/Doc.12/Rev. 1, September 16, 2006.

³³ OIC Resolution 18/33-P

³⁴ Final Document of NAM Summit , September 16, 2006/Doc.1/Rev.3